

جایگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له در آثار مکتوب اهل سنت قرن هشتم

فاطمه ضیایی^۱

چکیده

یکی از مهمترین مسائل مسلمانان وحدت بین مذاهب است. بنابراین، دانستن مشترکات مذاهب اسلامی، الزامی و رهگشاست. برای اهل تشیع نیز اثبات وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له ضروری است. دانستن نظرات بزرگان و علمای اهل سنت درباره ائمه به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له به تعامل بهتر بین شیعیان و اهل سنت و جماعت می انجامد. پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی است که مکتوبات موجود در آثار نویسندگان بزرگ و اندیشمندان دینی-مذهبی اهل سنت در قرن هشتم را جمع آوری می کند؛ زیرا از قرن ششم به بعد به دلیل حمایت حکومت‌ها از اهل سنت باتوجه به جغرافیای محل سکونت ایشان، آثار بیشتری ثبت شده است. نگارنده در پژوهش حاضر، مطالب اهل سنت درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له شامل گزارش‌های کوتاه و مختصر و نگاه‌های مثبت این عالمان به ائمه شیعه به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له را بررسی می کند.

واژگان کلیدی: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له، آثار مکتوب، اهل سنت، قرن هشتم.

۱. مقدمه

در نگاه مسلمانان و مراجع عظام، وحدت مسلمانان و اتحاد بین همه فرق و مذاهب اهمیت زیادی دارد؛ زیرا اتحاد مسلمانان در برابر دیگر ادیان جهان موجب اقتدار، حقانیت و مصونیت مکتب اسلام می گردد. بنابراین، در گام نخست، شناخت فرق و مذاهب اسلامی از یکدیگر به این

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اهل بیت علیهم السلام از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، قم، ایران.

امر کمک شایانی می‌کند. پژوهش حاضر به آثار اندیشمندان اهل سنت قرن هفتم شاره می‌کند، زیرا در قرن‌های پیشین، شیعه موفق به تشکیل یک سلسله حکومت‌های سیاسی و اجتماعی می‌شود و به عرصه سیاست عملی راه پیدا می‌کند و حکومت‌های شیعی و قدرتمندی مانند آل بویه و حمدانیان را تأسیس کرد. این موضوع باعث گسترش مفاهیم و عقاید شیعه در جهان اسلام شد. از ۲۲ کتاب موجود در بازه زمانی ۷۰۰ الی ۸۰۰ حیات چند تن از امامان اولین بررسی می‌شود و ۱۱ کتاب دیگر به حیات ۱۲ تن از معصومان اشاره دارد که جایگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز در آنها مشاهده می‌شود. نوشته پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی به شیوه گزارشات اهل سنت در حوزه نگارش ائمه، خاستگاه جغرافیایی و مذهبی نویسندگان، معرفی اجمالی نویسندگان و تحلیل نوشتار آنها می‌پردازد. دیدگاه‌های علما درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در این آثار از نظر بازه زمانی نسبت به پژوهش‌های دیده شده مشابه ندارد. کتاب سیمای دوازده امام در میراث مکتوب اهل سنت اثر منصور داداش‌نژاد از نظر وصل کردن به منابع اولیه به پژوهشگر کمک بسیاری کرد و مناطقی که در حمایت حکومت‌های اهل سنت بود، توانستند آثار خود را ثبت کنند. در حکومت‌هایی که در حمایت تشیع بودند آثار شیعیان و فعالیت اهل سنت در آنجا و در آن زمان‌ها کم و یا صفر است. بیشتر این اندیشمندان از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه یاد کرده و غیبت ایشان را نیز یادآور شده‌اند. زرنندی ارادت بسیاری به ائمه ابراز کرده و اطلاعاتی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و غیبت و ظهور ایشان آورده است. برخی دیگر مانند ذهبی با یادآور شدن اطلاعات تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به غیبت و ظهور ایشان اعتقادی نداشته و فقط نظر شیعه را بیان می‌کند و شیعیان را گمراه می‌داند.

۲. اصول کلی تاریخ‌نگاری اهل سنت درباره دوازده امام

در تاریخ‌نگاری‌ها بسیار کم پیش می‌آید که نویسنده‌ای بی‌طرف دست به نگارش زده باشد. در بررسی آثار نویسندگان اهل سنت که درباره ائمه علیهم‌السلام مطلب نوشته‌اند پیداست که باتوجه به عقاید مذهبی خود دست به قلم برده‌اند. دیدگاه نویسندگان اهل سنت درباره ائمه و صحابه

این گونه است که به حفظ موقعیت صحابه رسول خدا ﷺ پایبند بوده و مراتب چهار خلیفه اول، برترین و بالاترین موقعیت است. این مورخان مناقب و فضائل بسیاری برای صحابه ثبت کرده‌اند. هیچ خصلت و منقبتی در هیچ کدام از این چهار خلیفه ذکر نشده مگر اینکه همانند آن برای دیگری ذکر شده است. (ابن الی الحدید، بی تا، ۷/۱؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۵۲۰) ابن حجر با قبول کثرت فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام همچنان تأکید بر رتبه چهارم ایشان بعد از خلفای سه گانه می‌کند (عسقلانی، ۱۴۱۸، ۸۹/۷)، تلاش بسیاری برای محو اختلافات سیاسی میان صحابه می‌کند، سقیفه را حذف و صحابه را از هوی و هوس به دور دانسته و خطاهای آنها را اجتهادی می‌داند، بیعت نکردن امام علی علیه السلام با ابوبکر را از این موارد می‌داند (طبری، ۱۴۲۴، ۲۴۶/۸)، برای ائمه امامت اخلاقی و معنوی قائل هستند نه سیاسی و عصمت امام را قبول ندارند (ذهبی، ۱۴۱۴، ۲۰۴/۴)، اما در نقل فضائل کرامت و شفاعت ایشان امتناعی ندارند (حکسانی، ۱۴۱۱، ۴۸۸/۲). باید یادآور شد در طول تاریخ برخی جریان‌ها مانند فرقه غالیان و معتزله باعث شده تا نویسندگان اهل سنت راه و منش ائمه را از شیعیان جدا نشان دهند (ابن حبان، ۱۹۱۷، ۴۵۶/۸). آنها امامان را راست‌گو می‌دانند، اما به شیعیان حمله می‌کنند. اصل دیگر این است که مورخان و نویسندگان اهل سنت برای تعظیم ائمه واژه‌هایی به کار می‌برند که شیعیان از آن واژه‌ها برای امامان خود استفاده نمی‌کنند مانند تعبیر برای امام علی علیه السلام که موضع و نظرشان را می‌توان دریافت.

۳. خواستگاه جغرافیایی و مذهبی نگارش‌های ۱۲ امامی اهل سنت

در این بخش به معرفی خواستگاه جغرافیایی آثار و نگاشته‌های اهل سنت پیرامون ائمه دوازده گانه شیعه و مذهب حاکم در این مناطق از قرن اول تا قرن هشتم توجه شده است. جهان اسلام طی قرون به مناطق حجاز، عراق، خراسان و ماوراءالنهر و جبال تقسیم و سهم هریک در موضوع موردنظر مشخص می‌شود. باید خاطرنشان شد که دانشمندان اهل سنت در مناطق شیعه‌نشین، حضور پررنگی نداشتند. در تحقیق حاضر اهتمام کمتری به مناطق کوفه، نجف و دیگر شهرها شده است. کتبی که در آن از ائمه یاد شده برخی به طور مستقل درباره ائمه نوشته‌اند

و برخی در کتاب خود از ائمه یاد کرده‌اند که در بخش آثار به نویسندگان قرن هشتم این مناطق اشاره می‌شود.

۱-۳. منطقه حجاز

در این منطقه شهرهای مکه و مدینه بارز است. این دو شهر در سه قرن نخست به دلیل حضور صحابه و تابعین شاهد شکوفایی و نشاط علمی به‌ویژه در نقل و تدوین حدیث بود و مکه پیرو مدینه بود. مکه در قرن‌های بعد شاهد بی‌رونقی علم است؛ زیرا رقابت‌های خارجی برای نفوذ و تسلط بر این شهر و کشمکش‌های داخلی میان اشراف برای به‌دست آوردن قدرت بود. هنگامی که مکه زیر سلطه عصر دوم ممالیک (۷۸۴-۹۲۳) قرار گرفت امنیت نیز شکل گرفت و حرکت‌های علمی نیز شروع شد و اطلاعات مربوط به ائمه ثبت شد. مدینه در عصر فاطمی و ایوبی گرایش‌های شیعی داشت. در این شهر امیران از بنی مهنا و از نوادگان امام حسین علیه السلام بودند که با دولت فاطمیان مصر روابط دوستانه داشتند. (داداش‌نژاد، ۱۳۹۵، ۶۲/۱) با آمدن دولت ممالیک، هم‌زمان با قرن هفتم و هشتم، حکومت ازدست شیعیان خارج شد و امور حکومتی به‌دست اهل سنت افتاد. در این دوران دانشمندان اهل سنت ساکن مدینه کتاب‌هایی درباره ائمه ارائه کردند. این کتاب‌ها اطلاعات ویژه‌ای درباره ائمه ارائه نمی‌کنند. ویژگی این کتاب‌ها آن است که به‌تناسب سیاست دولت ممالیک در آن روزگار در خلال زندگی ائمه گاه به شیعه می‌تازند. با اینکه مدینه محل ولادت ائمه بوده است، اما نگارش‌های مدینه درباره ائمه کم‌رنگ است و در دوران ممالیک فقط چند کتاب نوشته شده است.

۲-۳. عراق

این منطقه با محوریت سه شهر بصره، کوفه و بغداد تعریف می‌شود که تا قرن چهارم شکوفایی علمی-فکری و گرایش‌های عقلی در آنها دیده می‌شود. بعد از این قرن با ورود سلاجقه، مذهب سلفی و زهد صوفیانه در این منطقه نمود یافت، اما پس از سقوط دولت سلجوقی شیعیان در اواخر قرن ششم آزادی یافتند. بصره به شهری با مسلک عثمانی مشهور بود، اما همچنان شیعیان نیز



حضور داشتند. (المنصوری، ۱۴۳۵، ص ۲۲۲) در شهر کوفه به صورت عمومی گرایش و میل به علویان دیده می شود. در شهر بغداد نیز که مرکزیت علمی-فرهنگی در دوره خلفای عباسی بود دانشمندان بسیاری حضور یافتند و آثار بسیاری از آنها ثبت شده است. در این سه شهر از قرن پنجم به بعد فعالیت علمی اهل سنت کم رنگ تر شده و به افول گراییده است که نشان از حضور علمای شیعه است.

۳-۳. خراسان و ماوراءالنهر

این منطقه در شرق قلمرو اسلامی قرار داشت و دانشمندان این مناطق در همه قرن ها به زندگانی اتمه توجه داشتند و اطلاعی درباره ایشان ثبت نشده است. مذهب عمده مردم این مناطق به ویژه در قرن ششم، سنی حنفی بود. (ضیایی و موسوی، ۱۳۹۱، ص ۱۱) سیاست مذهبی غزنویان (۳۵۱-۵۹۸) و سلجوقیان (۴۲۹-۵۵۲) که بر این مناطق حکمرانی می کردند مخالفت با تشیع بود. فعالیت هایی نیز برای مقابله با رشد تشیع انجام شد و دانشمندان اهل سنت بسیاری با حمایت حاکمان دست به قلم زدند. پس از مذهب حنفی، مذهب شافعی بیشترین تعداد پیرو را در قلمرو سامانی به ویژه در ماوراءالنهر و حومه بخارا داشت. در کنار اهل سنت، تصوف و مذهب تشیع هم در بخارا پیروانی داشت (قزوینی، ۱۳۷۳، ۳۷۲/۲)، پس از آن با آمدن حکومت مغول و تیموری (۷۸۲-۹۱۱) که مذهب حنفی داشتند شیعیان وضع بهتری یافتند. در شکوفایی منطقه ماوراءالنهر از نظر علمی باید گفت که تا اواخر قرن چهارم در دوره حکومت سامانیان شهرهای این منطقه جزو مراکز اصلی مطالعات اسلامی بود و دانشمندان زیادی در آنجا گرد آمدند. بخارا به قبه الاسلام شهرت یافت (نرشخی، بی تا، ص ۷۷). با افول سامانیان این دوره طلایی برای ماوراءالنهر پایان یافت. پس از آن در دوره تیموریان (۷۷۱-۹۱۱) این منطقه جان تازه ای گرفت و به مرکزیت علمی و فرهنگی دوباره دست یافت که به آن رنسانس عصر تیموری گفته می شود (گلجان، ۱۳۸۳، ص ۱۲). قرن های هفتم، هشتم و نهم دوره احیای علم و دانش نامیده شد (غفرانی، ۱۳۸۷؛ حاجیان پور، ۱۳۸۶). تساهل مذهبی بین مسیحیت، زرتشت، مجوس، مانویت و یهودیت در این

منطقه که همواره محل تلاقی تمدن‌های بزرگ اطراف خود بود و ادیان و مذاهب مختلف در آن پیروانی داشتند وجود داشت (ایزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶). تسنن آمیخته با تشیع در مقایسه با دیگر مناطق جهان اسلام وضوح بیشتری در آثار تدوین شده دارد. تعداد زیادی از دانشمندان اهل سنت این منطقه را می‌توان یافت که به شرح حال، مناقب و فضایل ائمه پرداخته‌اند.

۳-۴. جبال

ری و اصفهان از شهرهای بزرگ و مشهور این منطقه است. ری در قرن چهارم از بزرگ‌ترین مراکز چهارگانه منطقه جبال بود. (گای، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱) شهر ری به گفته ابن حوقل: «بسیار بزرگ و آباد است جز آنکه نیشابور از آن وسیع‌تر است و مردم بر مذهب سنی زندگی می‌کردند. پس از حضور عبدالعظیم حسنی شیعه در آن رشد کرد و او از بنیان‌گذاران مکتب حدیثی و روایی شیعه در ری است. شیعیان در مجلس حدیث او شرکت و اخبار و روایاتش را نقل می‌کردند» (عطاردی قوجانی، ۱۳۷۳، ص ۳۰۶). در زمان آل بویه شهر ری به پایتخت فرهنگ شیعی تبدیل شد و عالمان و فقهای بسیاری در آن رشد کردند (قائدی، ۱۳۸۲، ص ۳۵). شیخ صدوق از عالمان برجسته شیعه به این شهر مهاجرت کرد (نجاشی، ۱۳۰۷، ص ۲۶۱) و باعث رونق تشیع شد، البته همسایگی با شهر قم نیز همین نتیجه را داشت تا حدی که عبدالجبار معتزلی قرن چهارم را قرن تشیع نامید (همدانی معتزلی، بی‌تا، ۲۱۷۸). تا قرن ششم اهل سنت شافعی و حنفی نیز حضور داشتند و توسط سلجوقیان حمایت می‌شدند. در آستانه حمله مغول به ایران به مرور حضور این مذاهب کم‌رنگ شد و از قرن هفتم به بعد این شهر شیعه‌نشین شد. دانشمندان اهل سنت فعالیت چندانی در ری نداشتند و آثار موجود به قرن‌های اول تا چهارم ختم می‌شود. اصفهان نیز تا قبل از روی کار آمدن آل بویه به مذهب اهل سنت، گرایش داشت. حنبلیان و شافعیان با وجود تسنن، فضایل ائمه را نقل می‌کردند. پس از آل بویه، شیعه در این شهر رشد کرد. وقتی اولجایتو (م ۷۱۶) در قرن هشتم اعلام پذیرش تشیع کرد این شهر به مقابله پرداخت، اما سرکوب شد (ابن بطوطه، ۱۴۰۷،



۲۱۵/۱). در قرن هشتم و نهم میان اهل سنت و تشیع تفاهم بود (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۱۸۹) و دانشمندان بسیاری در نقل و بیان فضائل ائمه سهیم بودند.

۳-۵. شامات و مصر

در غرب قلمرو اسلامی، شامات و مصر در دولت فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷) شاهد رواج تشیع بودند، اما در ادوار بعدی یعنی، زنگیان، ایوبیان و ممالیک، شیعیان زیر فشار بودند. اهل سنت پایگاه محکمی داشت و سختگیری بر شیعیان همواره وجود داشت به گونه‌ای که ابن تیمیه (۶۶۱-۷۲۸) فتوای قتل شیعیان را صادر کرد. (ابن تیمیه، ۱۴۱۲، ص ۲۱۴) تعداد قابل توجهی از دانشمندان اهل سنت که در قرن هشتم اثری از خود درباره ائمه برجای گذاشته‌اند نیز از این منطقه هستند.

۴. بررسی آثار مکتوب اهل سنت در قرن هشتم

امام مهدی علیه السلام دوازدهمین امام شیعیان است. پدر بزرگوار ایشان حسن عسگری علیه السلام و مادرشان بانو نرجس است. امام مهدی علیه السلام در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شد. از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ غیبت صغری ایشان بود و از آن به بعد غیبت کبری شکل گرفت و تاکنون نیز ادامه دارد. تازمانی که به‌اذن خداوند ظهور ایشان اتفاق افتد شیعیان آن حضرت منتظر هستند.

۴-۱. معارج الوصول، زرنندی حنفی (۶۹۲-۷۵۷)

محمد بن یوسف زرنندی از زرند (توابع ری نه کرمان) (طهرانی، بی تا، ۱۲۵/۸) است که زادگاهش در مدینه و به تدریس حدیث مشغول بوده است. وی بعدها به شیراز مهاجرت می‌کند و همانجا نیز ماندگار و امر قضاوت شهر را عهده‌دار می‌شود و همانجا نیز وفات می‌کند (شیرازی، ۱۳۶۴، ص ۴۳۴). زرنندی بر مذهب حنفی است. کتاب معارج الوصول الی معرفه فضل آل الرسول و البتول از مناقب اهل بیت علیهم السلام بحث می‌کند. آغاز آن، شرح حال امام علی علیه السلام و پایان آن، شرح حال حضرت مهدی علیه السلام است. از حضرت بتول سخنی در کتاب نیست. وی در مقدمه کتاب دعا کرده است که تألیفش ذخیره روز آخرت و مشمول شفاعت اهل بیت قرار گیرد. علاوه بر صحابه به ائمه نیز ارادت نشان داده است و حب ائمه را موجب سعادت دنیا و آخرت می‌داند. براساس گفته



او در موضوع فضایل ائمه ۱۲ گانه نوشته ای را ندیده که الگوی کار خود کند و منبع اختصاصی نداشته است. باین حال وی در شرح حال های امامان در چند سطر ایشان را با عبارات بلندی می ستاید و القاب امام را ذکر می کند و سپس اطلاعات شخصی مثل مولد، وفات، و مدفن، مادر و فرزندان را ذکر می کند. از ائمه بانام امام یاد کرده، اما از عصمت آنها سخنی نگفته است. وی کرم الله وجهه را برای امام علی علیه السلام می آورد. درباره امام مهدی علیه السلام نیز به بیان کرامات مشهور پرداخته و ایشان را فرع شاخه نبوی و ثمره ائمه پیشین می داند. اطلاعاتی درباره غیبت امام که در سال ۲۶۹ غائب شد، دارد و می گوید ایشان ۴۱ سال داشت که از آن پس کسی ایشان را ندیده، البته این گزارش در هیچ منبعی به این صورت یافت نمی شود و از اشتباهات مؤلف است (داداش نژاد، ۱۳۹۵، ص ۲۴۸)؛ زیرا غیبت کبرای امام علیه السلام در سال ۳۲۹ آغاز شده است.

۴-۲. مرآت الجنان و عبرت الیقضان، یافعی (متوفی ۷۶۸)

عفیف الدین بن عبدالله بن علی یافعی در سال ۶۹۸ در بندر عدن از شهرهای سواحل جنوبی یمن متولد شد و در همان شهر رشد کرد. وی از یافع از قبایل حمیر است. یافعی، گرایش های صوفیانه داشت و به زنده بودن حضرت خضر اعتقاد داشت. از نظر گرایش مذهبی، شافعی بود و در اصول از مذهب اشعری پیروی می کرد. در این کتاب وی بیشتر به شرح حال افراد و وفات آنها پرداخته و از حوادث سخنی نگفته است. به دلیل گرایش های صوفیانه، شرح حال وابستگان این گروه را مفصل تر آورده است. دانشمندان معاصر شیعه نیز از این کتاب استفاده فراوان کرده اند؛ زیرا مهم است که شرح حال بسیاری از دانشمندان شیعی را آورده است. در این کتاب از دوازده امام مطالبی آورده است. به صورت سال شمار پیش رفته و درباره امام حسن عسکری علیه السلام در حد یک سطر سخن گفته و ایشان را پدر امام مهدی علیه السلام با القاب خاص خوانده است. همچنین از ظهور حضرت در آخر الزمان از سرداب سخن گفته و آخرین امام دوازده گانه معرفی کرده است. شیعیان را رافضی خطاب می کند و می گوید این گمان آنهاست که از سرداب سامرا انتظار ظهورش را می کشند: «فیها توفی محمد بن الحسن العسکری بن علی الیهادی بن محمد الجواد بن علی

الرضی بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق العلوی الحسینی، أبو القاسم الذی تلقبه الرافضة بالحجة وبالقائم وبالمهدي وبالمنتظر، وبصاحب الزمان. وهم ينتظرون ظهوره في آخر الزمان من السرداب، وهو عندهم خاتم الأئني عشر الإمام. وضلال الرافضة ما عليه مزيد، فإنهم يزعمون أنه داخل السرداب الذی بسر من، رأى، وأمه تنظر إليه، فلم يخرج إليها، وذلك في سنة خمس وستين، وقيل ست وخمسين ومائتين وهو الأصح، فاختفى إلى الآن، وكان عمره لما عدم تسع سنين، وقيل أربع سنين، وقيل غير ذلك في سنه، وفي السنة التي عدم فيها. وهم ينتظرون ضالته منذ خمس مائة سنة، وما وجدوها ولا يجدونها» (يافعى، ١٤١٧، ص ١٣٣).

٣-٤. فصل الخطاب، خواجه محمد پارسا (٨٢٢-٧٤٩)

محمد بن محمد بن محمود بخاری مشهور به خواجه پارسا از بزرگان طایفه نقشبندیه (نام یکی از سلسله های صوفیه) است که در بخارا به دنیا آمد. (شبلنجی، بی تا، ص ٤٢٣) سال ٨٢٢ در سفر حج درگذشت و در قبرستان بقیع دفن شد. خواجه پارسا، سنی غیرمتعصب و دوستدار اهل بیت بود. خواجه در این کتاب با علم به قدرت و نفوذ شیعه در مناطق خراسان که دیگر اقلیت مذهبی محسوب نمی شد به بحث درباره ولایت و اهل بیت علیهم السلام پرداخته است (داداش نژاد، ١٣٩٥، ص ٣٣٤). او مسائل اختلافی میان سنی و سنیان با شیعه را در کتابش خواسته فیصله دهد. در این کتاب علاوه بر احادیث و آثار و شرح مقامات و طبقات صوفیه به احوال بسیاری از بزرگان، اولیا و خلفای راشدین، صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و شیوخ اهل سنت می توان دست یافت. بخشی از این کتاب به شرح زندگانی ائمه علیهم السلام براساس منابع اهل سنت اختصاص دارد. وی اطلاعات شخصی را مدنظر گرفته و نقش ایشان در تاریخ را متذکر نشده است. در این کتاب، تمام روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره دوازدهمین امام و ظهورش آمده است، اما اینکه وی به غیبت اعتقاد دارد، مشخص نیست. مطالبی که درباره امام زمان نقل می کند بسیار به شیعه نزدیک است، اما نظر خود پارسا نیست و مطالب را از جانب خود نمی گوید، بلکه می نویسد در نظر شیعه چنین است:

«فزعمت الشيعة الاماميه، ان ابالقاسم محمد بن الحسن العسكري عليه السلام هو الامام القائم» (يارسا، ۱۳۸۱، ص ۵۹۹).

۴-۴. تاریخ بناکتی، داوود بناکتی (متوفی ۷۳۰)

فخرالدین ابوسلیمان داوود بن تاج الدین بناکتی است. بناکت شهری در ماوراءالنهر درکنار رود سیحون بوده و نسبت نویسنده به همین شهر است. بناکتی سنی مذهب بود. (داداش نژاد، ۱۳۹۵، ۴۲۲/۲) آقابزرگ تهرانی کتاب وی را در شمار کتاب های شیعیان آورده است (طهرانی، بی تا، ۲۹۰/۱)، ولی باید گفت که بر صحابه درود می فرستد و هنگام یاد از ابوبکر او را با واژه صدیق یاد می کند. وی از شیعیان به گونه ای تعبیر کرده که گویا خود را از آنان جدا می دانسته و تعبیر: «کرم الله وجهه» و «رضی الله عنه» را برای ائمه به کار برده است. نام اصلی کتاب، روضه الاحباب فی معرفه التواریخ و الانساب است که به نام نویسنده اش تاریخ بناکتی شهرت یافته است. موضوع کتاب، تاریخ عمومی جهان است که از آفرینش آغاز می شود و تا جلوس ابوسعیدخان بر تخت حکمرانی در سال ۷۱۷ ادامه می یابد. نویسنده در بیان زندگی ائمه مختصر عمل کرده و درحد یک صفحه مطالبی را به زبان فارسی و نثری ساده آورده است. وی درباره امام زمان علیه السلام درحد چند سطر سخن گفته که نام مادر ایشان نرجس و دختر قیصر روم است و پس از تولد، ایشان را به مدت ۷۴ سال از بیم دشمن مخفی نگه داشته و بعد ناپدید شده است. اعتقاد شیعیان به زنده بودن ایشان است (بناکتی، ۱۳۴۸، ص ۱۱۶).

۴-۵. تاریخ ایی الفداء، ابوالفداء (م ۷۳۲)

ابوالفداء اسماعیل بن علی بن محمود در دمشق در سال ۶۷۲ متولد شد. وی در شمال حمص زندگی کرد و همانجا در سال ۷۳۲ هم وفات کرد. (حموی، بی تا، ۳۰۰/۲) او در زمانی می زیست که شام اوضاع آرامی نداشت و بین مسلمانان و صلیبیان پیکار بود و پیشروی مغولان به سمت شام هنوز متوقف نشده بود. ابوالفداء شافعی مذهب بود. کتاب وی گزارشی مختصر از حوادث و رویدادهاست که براساس سال تنظیم شده است. رویه کتاب، تاریخی است و شرح حال امامان



شیعه را نیز آورده است. او در ذیل حوادث سال ۲۶۰ گزاری در باره وفات امام حسن عسکری علیه السلام می آورد و می نویسد وی یکی از ائمه دوازده گانه است بنابر مذهب امامیه و پدر محمد منتظری که انتظار ظهور وی از سرداب سامرا (به زعمشان) می رود: «وفیها توفی الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب رضی الله عنه وهو المعروف بالعسکری وهو أحد الأئمة الاثني عشر علی مذهب الإمامیه. وهو والد محمد المنتظر من سرداب سر من رأی علی زعمهم وكان مولده سنة اثنتین وثلاثین ومائتین حسبما تقدم» (ابوالفداء، ۱۴۱۷، ۴۹/۲).

۴-۶. الوافی بالوفیات، صفدی (۶۹۷-۷۶۴)

خلیل بن ایبک صلاح الدین صفدی در صفد از شهرهای صفد فلسطین زاده شد. وی شافعی مذهب بود. در این کتاب به شیوه و ترتیب حروف الفبا پیشرفته است. او در ابتدای هر شرح حال نسب را گفته و شرح حال امامان شیعه را نیز گفته است. وی از عبارت «رضی الله عنه» برای احترام ائمه استفاده کرده است. صفدی در کمتر از نصف صفحه به شرح حال امام حسن عسکری علیه السلام پرداخته که پس از ذکر نسب ایشان گفته است: «به ادعای شیعیان او یکی از ائمه شیعه است که درباره اش ادعای عصمت دارند او پدر منتظر رافضه است که شیعیان مدعی هستند او در سرداب حضور داشته و وی صاحب زمان است». «العسکری والد الإمام المنتظر الحسن بن علی بن محمد بن علی الرضا بن موسی بن جعفر الصادق بن محمد بن علی بن العابدین بن الحسین بن علی بن ابی طالب ابو محمد العسکری. أحد ائمه الشيعة الذين يدعون عصمتهم؛ واما ابنه محمد الحجة الخلف الذي تدعيه الرافضة، فولد سنة ثمان وخمسين، وقيل ست وخمسين. عاش ابعـد أبيه سنتين، ومات، عدم ولم يعلم كيف مات، وهم يدعون بقاءه في السرداب من تلك المدة، وأنه صاحب الزمان» (صفدی، ۱۴۲۰، ۷۰/۲).

۴-۷. تاریخ گزیده، مستوفی قزوینی (متوفی بعد از ۷۴۰)

حمدالله ابی بکر بن احمد بن نصر مشهور به مستوفی قزوین از خاندان عرب و جدش حرب بن یزید ریاحی بود. خانواده‌اش در قزوین سکنی گزیدند. سال مرگ وی مشخص نیست. باتوجه به مطالب تاریخ گزیده وی را می‌توان از اهل سنت دانست که توجه خاص به اهل بیت علیهم‌السلام داشت. (داداش نژاد، ۱۳۹۵، ۴۴۰/۲) شهر محل سکونت وی نزدیک به ری و قم که شیعه‌نشین بودند، قرار داشت و می‌توان گفت بر باورهای وی تأثیرات مثبت داشته است. او در کتابش ائمه را معصوم خوانده و در موردی ایشان را حجت خدا بر خلق و مستحق خلافت شمرده است (داداش نژاد، ۱۳۹۵، ۲۰۱/۲). کتاب وی یک دوره تاریخ عمومی جهان است که شامل حوادث و رخدادها تا سال تحریر کتاب یعنی، سال ۷۳۰ است. مطالب شامل تاریخ پیامبران، پادشاهان، خلفای راشدین، بنی‌امیه، بنی‌عباس و دولت‌های دیگری است که پس از این روی کار آمدند. درباره ائمه مطالب کوتاهی نوشته و درباره امام زمان گفته است: «شیعیان معتقدند که مهدی آخرالزمان زنده است و هروقت زمان ظهورش باشد، بیرون می‌آید و اهل سنت می‌گویند: مهدی علیه‌السلام یکی از علویان بنی‌فاطمی است که هنوز متولد نشده و جمعی می‌گویند پسر ابودوانیق بود و خدا خودش داند» (مستوفی قزوینی، بی‌تا، ص ۲۰۷).



۴-۸. ظفرنامه، حمدالله مستوفی (متوفی بعد از ۷۴۰)

ظفرنامه کتابی منظوم و حماسی است که گزارش‌های تاریخی را در قالب نظم بیان کرده است. براساس نظر آقابزرگ تهرانی این کتاب از قدیمی‌ترین نمونه‌های منظوم ادبیات فارسی و دنباله شاهنامه فردوسی است. (طهرانی، بی‌تا، ۱۹۹/۱۵) او باوجود اینکه سنی است در مدح صحابه به‌ویژه سه خلیفه اول و عایشه سروده‌های بلندی دارد. به ائمه اثنی‌عشر نیز توجه ویژه‌ای کرده و در بررسی حوادث دوران معتمد در قالب غیبت امام معصوم محمد المهدی پرداخته (طهرانی، بی‌تا، ۲۱۶/۱۵) و چهارده بیت درباره ایشان سروده است. در نه‌سالگی از سرداب غایب شده و اینکه شیعه می‌گوید: «او مهدی آخرالزمان است و در وقت ظهور آشکار می‌شود» (مستوفی، ۱۳۸۰،

۲۱۵/۳). استفاده از عبارت معصوم، نشان از باورهای شیعی وی دارد. حوادث تاریخی که در منطقه وی رقم خورده است نشان از گسترش شیعه و مناسب بودن اوضاع اجتماعی برای یاد ائمه دارد و مستوفی را ترغیب به این سبک نگارش کرده است.

۴-۹. تاریخ الاسلام، ذهبی (متوفی ۷۴۸)

شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن ذهبی از برجسته ترین علمای رجالی و از مورخان مشهور قرن هشتم است. ذهبی ترکانی الاصل بود و در دمشق می زیست. وی از سلفیان و اهل حدیث بود و به گفته های ابن تیمیه که با وی مصاحبت داشت تمایل دارد. (داداش نژاد، ۱۳۹۵، ۳۰۹/۲) به همین دلیل گرایش ضدشیعی ذهبی قوی است. وی تألیفات زیادی دارد. در زمان وی ایوبیان به نشر مذهب شافعی و اشعری مشغول بودند. در کتاب تاریخ الاسلام حوادث تاریخ براساس سال شمار از عصر رسول خدا تا سال ۷۰۰ گزارش شده است. او به شرح حال ائمه شیعه در وفیات هر سال اشاره کرده است و درباره امام حسن عسکری علیه السلام می گوید: «او یکی از ائمه اثنی عشری است که شیعیان به عصمت ایشان ادعا دارند و او پدر منتظر رافضیان است»، سپس به امام مهدی علیه السلام پرداخته که شیعه چه نظری درباره ایشان دارد. در وفیات سال ۲۶۵ و شرح حال ها از امام زمان علیه السلام یاد می کند و ایشان را خاتم دوازده امام می داند که در ادامه هم با تعریض به شیعیان این جمله را می نویسد: «فَنَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَثْبُتَ عَلَيْنَا عَقُولَنَا وَإِيمَانَنَا»، «وَأَمَّا ابْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الَّذِي يَدْعُوهُ الرَّاغِضَةُ الْقَائِمَةُ الْخَلْفُ الْحُجَّةُ، فَوَلَدَ سَنَةَ ثَمَانٍ وَخَمْسِينَ وَقِيلَ: سَنَةُ سِتٍّ وَخَمْسِينَ. عَاشَ بَعْدَ أَبِيهِ سَنَتَيْنِ ثُمَّ عُدِمَ، وَلَمْ يَعْلَمْ كَيْفَ مَاتَ. وَأُمُّهُ أُمُّ وَلَدٍ. وَهُمْ يَدْعُونَ بَقَاءَهُ فِي السَّرْدَابِ مِنْ أَرْبَعِمِائَةٍ وَخَمْسِينَ سَنَةً، وَأَنَّهُ صَاحِبُ الزَّمَانِ، وَأَنَّهُ حَتَّى يَعْلَمَ عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَيَعْتَرِفُونَ أَنَّ أَحَدًا لَمْ يَرَهُ أَبَدًا، فَنَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَثْبُتَ عَلَيْنَا عَقُولَنَا وَإِيمَانَنَا» (ذهبی، ۱۴۱۴، ۱۱۳/۹).

۴-۱۰. البدایه والنهایه، ابن کثیر (م ۷۷۴)

ابوالفدا، اسماعیل بن عمر بن کثیر مشهور به ابن کثیر در دمشق متولد شد. او در دانش تفسیر و تاریخ، کتاب نگاشته است. میل به افعال ابن تیمیه داشت، از این رو با شیعیان ضدیت داشت. اگرچه از امامان با احترام یاد می‌کند، اما می‌گوید شیعه به این امامان معتقد نیستند. وی گرایش‌های شافعی مذهبی داشت. او عنوانی را به امام مهدی علیه السلام در کتابش تخصیص نداده و گفته: «بدان مهدی علیه السلام که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد او یکی از خلفای راشدین و امامانی است که خداوند آنها را به سوی حق هدایت کرده است» (ابن کثیر، ۲۰۰۹، ۱۰۷/۱)، سپس به بیان روایات پیامبر صلی الله علیه و آله درباره امام زمان می‌پردازد. امام زمان علیه السلام را جزو خلفای راشدین معرفی کرده که خود اشکال بزرگی در نظر شیعه است. اطلاعات چندانی ذکر نکرده، اما به نظریه مهدویت شیعه در موارد مختلف تاخته است (ابن کثیر، ۲۰۰۹، ۱۵۳/۱، ۱۹۸/۶).



۵. نتیجه‌گیری

در آثار نویسندگان اهل سنت که به ائمه نیز پرداخته‌اند چند اصول کلی باتوجه به عقاید و مذهبشان قابل مشاهده است که عبارتند از: حفظ جایگاه صحابه، گشاده‌دستی در نقل فضایل، یاد نکردن از اختلافات صحابه، ترسیم روابط پسندیده میان ائمه و خلفا، پذیرش امامت اخلاقی نه سیاسی ائمه، جدایی ائمه از شیعیان، تعابیری که شیعیان برای ائمه به کار نمی‌برند را به کار می‌برند. حجاز، عراق، خراسان، ماوراءالنهر، جبال و شامات مناطقی هستند که تا قرن هشتم جزو قلمرو جهان اسلام بودند، همه تا قرن سوم و چهارم، شکوفایی علمی داشتند و پس از آنکه دولت‌های شیعی روی کار آمدند، رشد چشم‌گیری نداشتند، اما در قرن‌های بعدی با روی کار آمدن دولت‌های پیرو اهل سنت دوباره رشد کردند. منطقه خراسان و ماوراءالنهر در همه قرن‌ها به دلیل تساهل مذهبی و حکومت‌های سنی اهل سنت در آن زندگی کرده و به ائمه توجه داشتند. در شامات و مصر پس از فاطمیان، قرن شش به بعد اهل سنت پایگاه محکمی داشت و در قرن هشتم این مناطق، آثار بیشتری نسبت به دیگر مناطق اسلامی داشته است. در بین دانشمندان

اهل سنت قرن هشتم که دوازده امام را ذکر کرده‌اند همه نسبت به ائمه نظر مثبت داشته‌اند و فضایل ایشان را یادآور شده‌اند هرچند به شیعیان هجمه دارند. از این میان ذهبی و ابن کثیر ضدیت بیشتری نسبت به اهل تشیع داشته و عقاید آنها را با اکراه بیان کرده‌اند، اما باز ائمه را ستوده و درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه اطلاعاتی را ذکر کرده‌اند.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید (بی تا). شرح نهج البلاغه. به تحقیق: ابوالفضل ابراهیم. قم: اسماعیلیان.
۲. ابن بطوطه، ابوعبدالله محمد بن عبدالله (۱۴۰۷). رحله. به کوشش: محمد عبدالنعم عریان. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۱۲). زیاره القبر و الاستنجا بالمقبور. مصر: نشر دار الصحابه لثراث.
۴. ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد (۱۳۹۳-۱۹۷۳). الثقات. بی جا: وزارة المعارف للحکومه العالیه الهندیه.
۵. ابن کثیر، عمر بن کثیر شافعی معروف به ابن کثیر (۲۰۰۹). البدایه و النهایه. عربستان: نشر بیت الافکار الدولی.
۶. ابوالفداء، اسماعیل بن علی (۱۴۱۷). المختصر فی اخبار البشر تاریخ ابی الفدا. به تحقیق: محمود دیوب. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷. امین، سید محسن (بی تا). کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدوهاب. بی جا: بی نا.
۸. ایزدی، حسین، سید محمد (۱۳۹۴). بخارا و نقش سامانیان در شکوفایی آن. نشریه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام، شماره ۲، ۱۱۵-۱۳۹.
۹. بناکتی، داوود بن محمد (۱۳۴۸). روضه اولی الالباب فی معرفه التاریخ و الانساب (تاریخ بناکتی). به کوشش: شعار، جعفر. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
۱۰. پارسا، خواجه محمد (۱۳۸۱). فصل الخطاب. تصحیح: مسگر نژاد. جلیل. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۱. حاجیان پور، حمید (۱۳۸۶). اوضاع سیاسی ماوراءالنهر در دوران اسلامی تا تشکیل دولت صفوی، نشریه تاریخ اسلام، شماره ۳۲، ۶۹-۹۸.
۱۲. جعفریان، رسول (۱۳۸۷). اطلس شیعه. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۳. حکسانی، عبدالله حاکم (۱۴۱۱). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. تحقیق: محمودی، محمد باقر. تهران: مؤسسه طبع و نشر.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷). کشف المراد. تحقیق: حسن زاده آملی، حسن. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۵. حموی، شهاب الدین ابی عبدالله یاقوت (بی تا). معجم البلدان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. داداش نژاد، منصور (۱۳۹۵). سیمای دوازده امام در میراث مکتوب اهل سنت. تهران: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۷. ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۱۴). سیر اعلام النبلا. تحقیق: شعیب الارناؤوط. بیروت: مؤسسه رساله.
۱۸. ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۱۲). تاریخ الاسلام. تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دار الکتب العربی.
۱۹. شبلنجی، مؤمن بن حسن (بی تا). نور الابصار فی مناقب آل البیت المختار ع. قم: رضی.



۲۰. شیرازی، عیسی بن جنید (۱۳۶۴). تذکره هزار مزار. مترجم: شد الاژار (مزارات شیراز). به تصحیح نورانی وصال. شیراز: کتابخانه احمدی.
۲۱. صفدی، صلاح الدین خلیل بن ابیک (۱۴۲۰). الوافی بالوفیات. تحقیق احمد الرناووط. و تزکی مصطفی. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۲۲. ضیایی، محمد عادل. و عزیزی، موسی (۱۳۹۱). علل گسترش فقه حنفی در ماورالنهر تا پایان عصر سامانیان. نشریه پژوهش نامه تاریخ اسلام، سال دوم، شماره هفتم، ۳۱-۵۷.
۲۳. طبری، محمد بن عبدالله (۱۴۳۴). الریاض النضره فی مناقب النضره. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۴. طهرانی، آقابزرگ (بی تا). الذریعه الی تصانیف الشیعہ. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲۵. عسقلانی، ابن حجر (۱۴۱۸). فتح الباری شرح صحیح البخاری. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۶. عطاردی قوجانی، عزیزالله (۱۳۷۳). عبدالعظیم حسنی حیاتی و مسند. تهران: عطار.
۲۷. غفرانی، علی (۱۳۸۷). فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراءالنهر از سقوط سامانیان تا یز آمدن مغولان. قم: پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.
۲۸. قائدان، اصغر (۱۳۸۲). آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی در گذشته و حال. قم: دار الحدیث.
۲۹. قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). آثار البلاد و اخبار العباد. مترجم: محمد مرابن عبدالرحمن. تصحیح: مرادی، محمدشاه. تهران: دانشگاه تهران.
۳۰. گای، لسترنج (۱۳۹۳). جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی. تهران: علمی فرهنگ.
۳۱. گلجان، مهدی (۱۳۸۳). میراث مشترک نظری اجمالی بر حوزه فرهنگ و تمدن شرق ایران و ماوراءالنهر. تهران: امیر کبیر.
۳۲. منصوری، نزار (۱۴۳۵). النضره لشیعه البصره. قاهره: مکتبه مدبولی.
۳۳. مستوفی قزوینی، و حمدالله ابی بکر احمد (بی تا). تاریخ گزیده. محقق: نوایی، عبدالحسین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۴. مستوفی قزوینی، و حمدالله ابی بکر احمد (۱۳۸۰). ظفرنامه. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۵. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۳۰۷). الرجال. محقق: شبیری زنجانی، سید موسی. قم: نشر دار الاسلامی.
۳۶. نرشخی ابوبکر، محمد بن جعفر (۱۳۶۳). تلخیص محمد بن زفر بن عمر. تهران: نشر توس.
۳۷. همدانی معتزلی، قاضی ابوالحسن عبدالجبار (بی تا). تثبیت الدلائل النبویه. محقق: عبدالکریم عثمان. لبنان: دار العربیه.
۳۸. یافعی، ابومحمد عقیف الدین عبدالله بن اسعد بن علی بن سلیمان (۱۴۱۷-۱۹۹۷). مرآة الجنان و عبره الیقظان فی معرفه ما یعتبر من حوادث الزمان. بیروت: دار الکتب العلمیه.